

کلاسی که در ایستگاه برگزار شد

۲۱۰

شکر + کوله بيشته

۱۴۰۳

۰۷

۰۴

ضمیمه روزنامه شهرآر
ویژه کودکان مشهد
چهارشنبه



زنگ آماده باش

فرهنگ گردشگری

۱۴

۸

دوستان جدید

با نام و یاد خدای خوب و مهربان که خالق همه زیبایی هاست. سلام می‌کنیم به همه دوستان عزیز کوله پشتی. امیدواریم که خوب و خوش باشید و سال تحصیلی جدید را با کلی چیزهای خوب و تازه شروع کرده باشید. بله بچه‌های عزیز! دوباره ماهِ مهربان «مهر» از راه رسیده است. هر طرف را که نگاه می‌کنی، صدای خنده و هیاهوی بچه‌هاست؛ غوغای کودکانه‌ای که با خود عطر خوش زندگی را در شهر پراکنده می‌کند.

مهر با خود هدیه‌های تازه‌ای برای بچه‌های ما آورد؛ هدیه‌هایی که بعضی‌ها ایشان یادگرفتنی هستند؛ مثل درس‌های کتاب‌های پایه‌ی جدید و بعضی از این هدیه‌های ماه مهر نگه داشتنی هستند. می‌پرسید مثل چه هدیه‌هایی؟ الان برایتان می‌گویم. هر سال که به پایه‌ی جدید می‌رویم، دوست‌های جدیدی پیدا می‌کنیم. دوستان صمیمی و خوبی که باید با رفتار خوب و مناسب، آن‌ها را برای خود نگه داریم. داشتن دوستان خوب، نعمتِ خیلی باارزشی است که باید قدر آن را بدانیم و برایش از خدا تشکر کنیم؛ دوستان و هم‌کلاسی‌هایی که همیشه در شادی و سختی در کنار هم‌دیگر می‌مانند، با هم درس می‌خوانند، با هم تلاش می‌کنند و با هم موفق می‌شوند.



فهرست

سبزی‌های شگفت‌انگیز ۱/
کوهستان ۲/
خودکار و قلم‌های زیبا ۳/
ایست، اینجا آشناسانی است ۴/
دنیای دلبران ۶/
حرف‌های پرنده‌ای ۷/
فرهنگ گر دشگری ۸/
آخ جون، میریم مدرسه! ۱۰/
بیسکوئیت خانگی مامان‌پز ۱۲/
الو، آنتی نشانی ۱۳/
زنگ آماده‌باش ۱۴/
خواهرهای مهربان ۱۶/

صاحب‌امتیاز:
شهر داری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمایم:
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله پشتی:
طیبه سادات ثابت
گرافیک و صفحه‌آرایی:
ملک جمعی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fai/kids
۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
نشانی: خیابان کوهستانی
ابتدای کوهستانی ۱۵
دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
توزیع و امور مشترکین:
۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



سبزی‌های شگفت‌انگیز

بچه‌های عزیز استفاده از میوه‌ها و سبزیجات و خوردنی‌های سالم راز همیشه سلامتی ماست، پس همیشه تمام محتویات ظرف سبزیجات و سالاد خود را بخورید. امروز می‌خواهیم درباره فایده‌های ترب سفید و جعفری صحبت کنیم.

جعفری: یکی از سبزیجاتی است که با داشتن ویتامین‌های باارزشی چون C، K و A و عناصری مثل آهن و مس برای شما کودکان بسیار مفید است. این سبزی خوش‌عطر، یک ضد عفونی‌کننده برای جلوگیری از بیماری‌های لثه است. آهن موجود در جعفری، دو برابر آهن موجود در اسفناج است که هم برای رفع کم‌خونی و هم برای استحکام استخوان‌های شما بسیار سودمند است.

گیاه جعفری همچنین ضد التهاب است و نمی‌گذارد شما دچار سنگ کلیه و سنگ مثانه شوید.

جعفری دارای مقدار زیادی ویتامین K است که برای حفظ تراکم استخوان و مبارزه با شکستگی استخوان ضروری است.

ترب سفید: یک گیاه فوق‌العاده است که برای سلامتی و پیشگیری از بیماری‌های مختلف می‌توان آن را مصرف کرد. ترب، به دلیل دارا بودن اسید فولیک، برای افرادی که دچار کم‌خونی و فقر آهن هستند، بسیار مفید است. فیبر موجود در ترب سفید نقش بسیار زیادی در سلامت گوارش ما دارد. جالب است بدانید مصرف این گیاه، خطر ابتلا به یبوست، اسهال و مشکلات گوارشی دیگر را کاهش می‌دهد. تحقیقات نشان داده که ترکیبات گیاهی ترب از رشد سلول‌های سرطانی جلوگیری و ویتامین C موجود در ترب سفید نیز برای تقویت سیستم ایمنی ضروری است. ترب به تولید گلبول‌های سفید خون کمک می‌کند که در برابر عفونت‌ها، بدن را محافظت کنند.



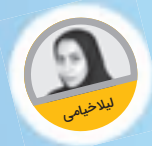


کوهستان

اگرچه سردتر است
کمی آب و هوایش
نشستن کیف دارد
کنار تپه هایش

تمام درّه هایش
پراز خار است و سنگ است
تمام چهارتا فصل
سروشکلش قشنگ است

چه کوهستان بزرگ است
عقاب و مار دارد
میان صخره هایش
همیشه غار دارد





کاردستی



طاهره عرفانی



خودکار و قلم‌های زیبا

چطوری درست کنیم؟

میان کارتن‌های لایه مقوای موج دار وجود دارد، که به آن مقوای ایفلوت می‌گویند. رول کردن و تا کردن مقوای موج دار یا مقوای ایفلوت بسیار راحت و جذاب است. امروزه انواع مقوای ایفلوت با رنگ‌ها و اندازه‌های گوناگون در بازار یافت می‌شود. دوست دارید خودکار و قلم‌های خود را زیباتر کنید. پس دست به کار شوید. ابتدا مقوای موج دار کارتن را جدا و سپس رنگ کنید. بعد از خشک شدن نوارهایی یک و نیم سانتی متری برش دهید. حالا سر نوار را لول کنید و هر جا که لازم است دور هم بپیچید. یادتان نرود انتهای نوار لول شده را چسب بزنید. با همین روش یک لول کوچک‌تر آماده کنید و روی آن بچسبانید. مطابق شکل، طرحی از هر شخصیت دوست داشتنی و مورد علاقه خود را آماده کنید. بچسبانید. با همین روش می‌توانید قلم‌های متنوع و زیبایی درست کنید.

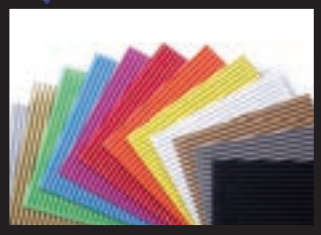
چی لازم داریم؟

لایه میانی کارتن یا کاغذ ایفلوت

چسب مایع

قیچی

چشم تزئینی آماده





کلاسی که در ایستگاه برگزار شد

ایست، اینجا آتشنشانی است



بود. «سعید داد زد: «یعنی یک جایی آتش گرفته؟!» سبحان درحالی که ستون گوشه‌ی سالن را به بچه‌ها نشان می‌داد، گفت: «آنجا را ببینید.» بچه‌ها همه برگشتند سمت ستون. آتش نشان‌ها مثل برق و باد از ستون سُر می‌خوردند و پایین می‌آمدند و می‌دویدند بیرون تا سوار ماشین‌ها شوند. بچه‌ها هم با هیجان نگاهشان می‌کردند. خیلی زود آژیرها روشن شدند و ماشین‌ها یکی یکی راه افتادند و رفتند. ایستگاه که خلوت شد، بچه‌ها دوباره برگشتند سمت آقای آتش نشانی که می‌خواست برایشان صحبت کند. آقای آتش نشان خیلی چیزها درباره‌ی رعایت نکات ایمنی به آن‌ها یاد داد. حرف‌های اوتازه تمام شده بود و بچه‌ها داشتند از سالن بیرون می‌رفتند که ماشین‌ها برگشتند. علی گفت: «چه زود برگشتند!» رضا از یکی از آتش نشان‌ها که از ماشین پیاده شده بود، پرسید: «آتش را خاموش کردید؟» آقای آتش نشان سری تکان داد و گفت: «آتش در کار نبود؛ یکی مزاحمی زنگ زده بود! شانس آوردیم در این مدت اتفاق دیگری نیفتاد، وگرنه تا برمی‌گشتیم و برای کمک می‌رفتیم، ممکن بود دیر شود.» سعید اخم کرد و گفت: «بعضی‌ها نمی‌دانند که بی‌خودی و مزاحمی زنگ زدن به آتش نشانی چقدر کار اشتباهی است!» آقای معلم سری تکان داد و جواب داد: «بله پسر. ممکن است این کارشان جان کسی را به خطر بیندازد.» آقای آتش نشان لبخند زد و گفت: «آفرین! اگر همه مثل شما فکر کنند، دیگر از این مزاحمت‌ها نداریم.» رضا داد زد: «ما که قول

ایستگاه آتش نشانی جای خیلی جالبی است. خیلی‌ها دوست دارند از نزدیک آنجا را ببینند. بچه‌های مدرسه هم همراه آقای معلم به ایستگاه آتش نشانی رفتند. آقای معلم گفت: «این هم ایستگاه آتش نشانی.» بچه‌ها یکی یکی از شیشه‌ی اتوبوس سرک کشیدند و ماشین‌های آتش نشانی را دیدند که داخل حیاط پارک شده بودند. بعد هم با خوش حالی دنبال آقای معلم از اتوبوس پیاده شدند. علی با عجله کنار یکی از ماشین‌ها رفت و از راننده اجازه گرفت داخل ماشین را ببیند. تا آقای راننده اجازه داد، بچه‌ها همه سمت ماشین رفتند. یکی حواسش به شلنگ آب پاش روی ماشین بود، یکی چراغ قرمز روی ماشین را نگاه می‌کرد و یکی محو تماشای نردبان بلند روی ماشین شده بود. چندتا از بچه‌ها هم چند دقیقه‌ای سوار ماشین شدند. بچه‌ها هنوز دور ماشین آتش نشانی چرخ می‌زدند که آقای معلم گفت: «بچه‌ها! بیایید برویم داخل ساختمان، آنجا هم دیدنی است.» بچه‌ها تا حرف آقای معلم را شنیدند، با عجله دنبال او راه افتادند. وارد ساختمان که شدند، سالن بزرگی روبه رویشان بود. چند آقای آتش نشان هم آنجا بودند. یکی شان با شکلات از بچه‌ها پذیرایی کرد و یکی شان از بچه‌ها خواست گوشه‌ای بنشینند تا برایشان صحبت کند. همین موقع صدای زنگ سالن را پر کرد. میلاد از جا پرید و گفت: «وای! این چی بود؟!» آقای معلم گفت: «زنگ اعلام حادثه





کردند و سریع سوار اتوبوس شدند تا برگردند مدرسه. خب نمی شود که بیشتر از این وقت آتش نشان ها را گرفت؛ آن ها کارهای خیلی مهمی دارند.

می دهیم هیچ وقت مزاحمی به جایی زنگ نزنیم، مخصوصاً به آتش نشانی. «بقیه ی بچه ها هم حرف او را تأیید کردند و سرتکان دادند. بعد هم از آتش نشان ها خداحافظی



دنیای دلیران

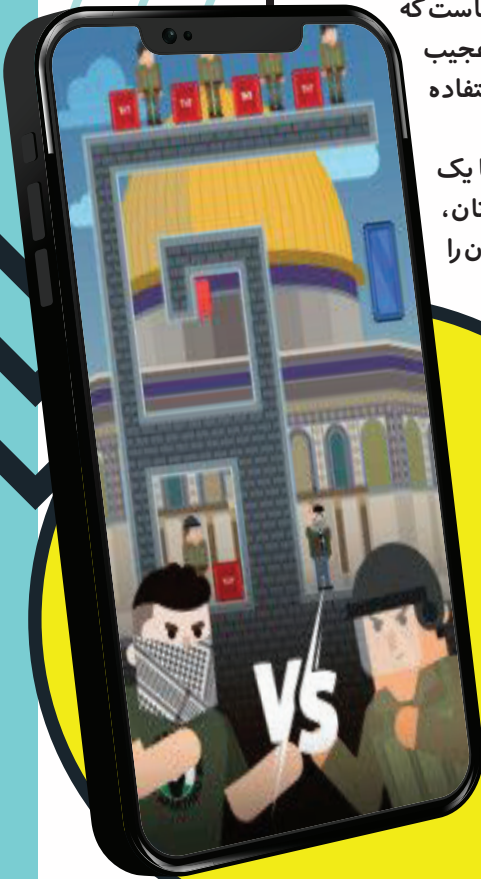


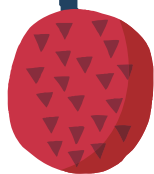
تابه حال خواسته‌اید قهرمان کشورتان باشید و ایران را سرافراز کنید؟ خب، بازی امروز ما به شما اجازه می‌دهد تا چنین احساسی را تجربه کنید!

بازی «دلیران» یک بازی ایرانی و جذاب است که در آن باید دشمنان را نابود کنید! اما سختی کار اینجاست که سربازان دشمن در پشت پازل‌هایی سخت و عجیب پناه گرفته‌اند و تنها راه به زانو درآوردن آن‌ها، استفاده از قوانین بازی است!

می‌پرسید چطوری؟ در این بازی، شما باید با یک شلیک دقیق و پیش‌بینی مسیر حرکت گلوله‌تان، پازل‌های مختلفی را طی کنید و در نهایت گلوله‌تان را به دشمن برسانید!

پس صبر نکن و همین حالا با دوربین گوشی‌کد زیر را اسکن کن و وارد دنیای دلیران شو!





حرف‌های پرنده‌ای

آیا می‌توانید با گوش دادن به صدای یک پرنده تشخیص دهید کدام پرنده است؟ پرنده‌های مختلف صداهای مختلفی دارند که مخصوص خودشان است؛ مثلاً صدای گنجشک با صدای کلاغ و کبوتر خیلی فرق دارد.

می‌دانستید که پرنده‌ها علاوه بر اینکه آواز می‌خوانند با هم حرف هم می‌زنند؟ یا وقتی احساس خطر می‌کنند برای اینکه به بقیه پرنده‌ها خبر بدهند صداهای مخصوصی از خودشان درمی‌آورند؟

تفاوت آواز خواندن یک پرنده با حرف زدنش این است که صدای آواز پرنده‌ها پیچیده و طولانی است، ولی حرف زدن آن‌ها کوتاه و ساده است.

زمان مخصوص آواز خواندن پرنده‌ها هم معمولاً صبح زود است. آن‌ها وقتی می‌خواهند آواز بخوانند مثل یک گروه ارکستر گروهی می‌خوانند.

پرنده‌ای به نام مرغ «مُقلد» وجود دارد که می‌تواند صدای بقیه پرنده‌ها را دریابورد؛ این پرنده حتی می‌تواند بعضی صداها مثل آژیر خطر را هم دریابورد. برای همین است که اسمش مقلد است؛ مقلد یعنی تقلیدکننده.

جوجه‌ی پرنده‌ها آواز خواندن و حرف زدن را از پدر و

مادرشان یاد می‌گیرند؛ درست مثل بچه انسان

که از پدر و مادرش حرف زدن یاد می‌گیرد.

از این به بعد هر وقت صدای پرنده‌ها را

شنیدید، خوب گوش کنید شاید بتوانید

حرف‌هایشان را بفهمید!



چرا رفتی آن بالا؟
باید مواظب آثار باستانی
باشیم؛ خراب می شوند. زود
بیا پایین و ۲ خانه به عقب
برگرد.

نقشه ی راهنمای
گردشگری کمک می کند
مکان ها را راحت تر پیدا کنیم.
چه کار خوبی کردی با خودت
نقشه آوردی. نقشه را نگاه کن
و ۲ خانه جلو برو.

آفرین که
زباله ات را در یک مکان
تاریخی نمی اندازی.
۲ خانه جلو برو.

یک بار
تاس نریز.

شروع:

سارا و سعید هنوز به مدرسه
نمی روند. آن ها توی خیالشان
می خواهند به تماشای مکان های دیدنی
و تاریخی بروند. با آن ها همراه شو تا یاد
بگیری چطور یک گردشگر خوب باشی.
تاس بریز و شروع کن.

داری چه کار
بدی می کنی!
دیوار تاریخی که
تخته سیاه نیست.
۲ خانه به عقب برگرد

فرهنگ گردشگری

شرح بازی: برای این بازی به یک تاس
و به تعداد بازیکنان مهره نیاز داریم.
بازی با تاس شش شروع می شود.
برنده کسی است که زودتر مسیر را
طی کند و به نقطه ی پایانی برسد.
هدف این بازی آموزش نکات مهم
گردشگری به بچه های کوچک است
که هنوز آداب گردشگری و ارزش
آثار باستانی را نمی دانند. با ما همراه
شوید تا رفتار درست در
گردشگری را بیاموزید.





می خواهی کنار
این ساختمان قدیمی
عکس بگیری؟ چه کار
خوبی. لبخند بزن و بگو
سیب و ۲ خانه جلو برو.

آفرین!
دیدن یک مکان
قدیمی جالب
است. انا فهمیدن
چیزهایی درباره ی
آنجا خیلی جالب تر
است. خوب است
که توضیحات روی
دیوار را می خوانی.
۲ خانه جلو برو.

وای چه کار
خطرناکی! چرا کنار این
درخت قدیمی آتش روشن
کردی؟ زود باش آتش را
خاموش کن و ۲ خانه به
عقب برگرد.

پایان:
آفرین که به مکان های
زیادی رفتی و چیزهای
زیادی یاد گرفتی و گردشگر
خوبی بودی.

وای! نمی توانی از اینجا چیزی
یادگیری ببری. این وسایل آثار ملی و
تاریخی اند. زود کوزه را سر جایش بگذار و
یک خانه به عقب برگرد.

باتاس زوج
حرکت کن.





حال و هوای کلاس دومی ها
با شروع سال تحصیلی:

آخ جون، میریم مدرسه!



بچه ها جونم باز هم
مدرسه ها باز شده و
شور و حال، به کوچه
و خیابان و مدرسه
برگشته است. باز هم
زنگ تفریح و درس
و ورزش و شادی و
بازی...
در ادامه سه نفر از
دوستان از حال
و هوای این روزها
گفته اند که می خوانید.



بردیا میز و نیکمت های چوبی به
رنگ چوب را برای کلاس جدیدشان
می پسندد که احتمالا همین طور هم
خواهد بود.

او وقتی کتاب و دفتر نو می خرد کمی
خوش حال می شود، اما دوست دارد جلد دفترهای
جدیدش عکس رونالدو داشته باشند.

بردیا اگر بداند بچه ای برای مدرسه رفتن لوازم تحریر ندارد
و نمی تواند تهیه کند کمکش می کند و آن دفتری که عکس
رونالدو ندارد را به او می دهد.

او زنگ ریاضی را خیلی دوست دارد و در اوقات فراغت تابستان
امسال هم ریاضی یاد گرفته است. بهترین خاطره بردیا از تابستانی
که گذشت سفر به بجنورد و بازی در کنار بچه های فامیل بوده
است.

دفترهایی با عکس رونالدو

بردیا هاشمی، هشت ساله و پایه
دوم دبستان سما در شروع فصل
درس و کتاب از اینکه دوباره
به مدرسه می رود تا درس های
جدیدی یاد بگیرد خیلی راضی و
خوش حال است.

او پارسال در مدرسه پنج دوست پیدا
کرده است که در تعطیلات تابستان
دلش برایشان تنگ شده بود. امسال
با ۹ نفر از هم کلاسی های پارسال
در یک کلاس هستند، اما او فکر
می کند امسال دوست جدیدی به
دوستانش اضافه نمی شود!



حیات، ورزش و نقاشی



حالا ببینیم حال و هوای کوروش افشارکهن، هفت ساله، پایه دوم مدرسه سما از اینکه دوباره مدرسه می رود چگونه است؟ او خیلی خوش حال است، زیرا دوباره دوستانش را می بیند. او پارسال در مدرسه سه دوست پیدا کرده بود که در تعطیلات تابستان برای آن ها دلتنگ شده، اما قرار است سیزده نفر از هم کلاسی های پارسال کوروش امسال هم با او در یک کلاس باشند و فکر می کند امسال هم بتواند از میان هم کلاسی های جدیدش دوستان زیادی پیدا کند.

کوروش دوست دارد میز و نیمکت های کلاسشان طرح فوتبالیستی و رنگ آبی و جاکیفی هم داشته باشد. او از خریدن کتاب و دفتر نو حال خوبی دارد. زیرا قرار است با درس ها و مطالب جدیدی آشنا شود. کوروش دوست دارد دفترهای جدیدش با شکل های حروف الفبایی و زرد رنگ باشند.

کوروش می گوید: اگر بچه ای هم سن خودم بشناسم و بدانم برای مدرسه رفتن دفتر و مداد ندارد و نمی تواند تهیه کند حتما کمکش می کنم و مداد رنگی های پارسالم را به او می دهم و دفتر جدید برایش می خرم.

کوروش از مدرسه، بیشتر از همه حیات آن و رنگ های ورزش و نقاشی را می پسندد. البته این پسر نمونه تابستان هم بیکار نبوده و با شرکت در کلاس های مختلف، نقاشی، ژیمناستیک و شنا یاد گرفته است. اما بهترین خاطره او از تابستانی که گذشت مربوط به سفری است که با دختر و پسر خاله اش به شمال رفته و در آنجا بادبادک بازی و آب بازی کرده است و در جنگل هم خیلی با هم بازی کرده اند.



دوستانم، درس و بازی

امیرحسین زحمتکش، هشت ساله و پایه دوم مدرسه سما هم درباره بازگشایی مدرسه احساس خود را این گونه بیان می کند.

از اینکه دوباره مدرسه می روم احساس خیلی خوبی دارم، زیرا دوستانم را می بینم و با هم بازی می کنیم و درس می خوانیم. او پارسال در مدرسه با (روزبه و آراد) دوست شده است، اما تابستان که از هم دور بوده اند خیلی دلتنگشان شده است. امیرحسین از اینکه امسال با سیزده نفر از هم کلاسی های پارسالش در یک کلاس هستند، خوش حال است و فکر می کند امسال بتواند سه دوست جدید هم پیدا کند.

البته بهترین ساعت های حضور در مدرسه از نظر امیرحسین همان رنگ تفریح است. با این حال، دلش می خواهد میز و نیمکت های

کلاسشان نیمکت هایی دوفره و قهوه ای رنگ باشد.

امیرحسین از خریدن کتاب و دفتر نو خوش حال می شود، زیرا خرید وسایل جدید برایش جذاب است و دوست دارد وسایل جدیدش شکل سگ های نگهبان و به رنگ های آبی و قرمز باشد. او اگر بچه ای هم سن خودش را بشناسد و بداند برای مدرسه رفتن دفتر و مداد ندارد و نمی تواند تهیه کند حتما کمکش می کند و از همه وسایلش به آن بچه هم می دهد.

امیرحسین در تابستانی که گذشت از اوقات فراغتش به خوبی استفاده کرد و با رفتن به کلاس زبان انگلیسی یک زبان جدید یاد گرفته است.

خاطره دوست داشتنی که از فصل تابستان به یاد دارد مربوط به روزهای پایانی ماه صفر است که همراه پدرش برای شهادت امام رضا (ع) به هیئت رفته و به عنوان خادمی کوچک به مردم کمک کرده است.



بیسکویت خانگی مامان پز



راستی شما برای زنگ تفریح مدرسه چه خوراکی هایی را با خودتان می برید؟ حتما می دانید که باید به فکر سلامتی مان باشیم و سعی کنیم از غذاها و میان وعده های سالم استفاده کنیم تا همیشه قوی باشیم.

مادر آرش تصمیم گرفته بود برای آرش یک بیسکویت خوشمزه درست کند تا زنگ تفریح بخورد. برای درست کردن این بیسکویت، او ابتدا مقداری کره و شکر را با همزن مخلوط کرد. بعد کمی وانیل به مواد اضافه کرد. در ظرف جداگانه ای آرد و مقدار کمی نمک را الک کرد و به مواد اضافه و دوباره با همزن آن ها را خوب مخلوط کرد. وقتی مواد آماده شد آن ها را توی یخچال گذاشت تا نیم ساعت بماند. بعد از نیم ساعت مواد را داخل یخچال گذاشت. بعد از پانزده دقیقه، یک تابه نجسب را روی شعله پخش کن گذاشت و با شعله کم گذاشت که گرم شود. بعد بیسکویت ها را داخل آن چید و سر ماهیتابه را گذاشت تا کم کم پزد. وقتی رنگ بیسکویت ها عوض شد عطر شیرینی همه جا را پر کرده بود. به به بیسکویت ها آماده بودند.

بچه های عزیز شما هم برای زنگ تفریح خوراکی های سالم مثل همین بیسکویت ها که سالم و مقوی هستند برای زنگ تفریح با خودتان ببرید.

چی لازم داریم؟

آرد دو پیمانه

کره ۲۰۰ گرم

شکر نصف پیمانه

وانیل یک چهارم قاشق چای خوری

نمک یک چهارم قاشق چای خوری





+



الو، آتش نشانی



اسم کتاب: مامان خودم
نام نویسنده: شکوه قاسم نیا
سال نشر: ۱۴۰۲



به نظر تان اگر یک روز مامانمان را گم کنیم چه اتفاقی می افتد؟ مامان دنبالمان می گردد که پیدا ایمان کند؟ موش موشی که به حرف مامان موشی، گوش نمی کند و دست مامان را نمی گیرد یک دفعه می بیند که وای مامان دیگه کنار موش موشی نیست، حالا موش موشی باید دنبال او بگردد. موش کوچولو پیش حیوانات دیگر می رود و سراغ مادرش را می گیرد و از آن ها خواهش می کند که تا زمانی که مادرش را پیدا کند به او کمک کنند. اگر شما هم مثل من دوست دارید بدانید حیوانات دیگر مامان موش موشی می شوند؟ یا موش موشی مامانش را پیدا می کند؟ پیشنهاد می کنم کتاب مامان خودم را بخوانید، این کتاب با شعرهای زیبا داستان را برای ما تعریف می کند.



اسم کتاب: الو، آتش نشانی
نام نویسنده: زهرا علی عسگری
سال نشر: ۱۳۹۴

آتش نشانی شغل خاصی است. یک آتش نشان باید قوی، شجاع، سریع و باهوش باشد که بتواند در کمترین زمان، در اتفاق های خطرناک جان مردم را نجات دهد.
اگر می خواهید درباره شغل آتش نشانی و کارهایی که یک آتش نشان در زمان های مختلف انجام می دهد آشنا شوید، پیشنهاد می کنم کتاب «الو، آتش نشانی» را مطالعه کنید. این کتاب که هم شعر و هم داستان دارد برای کودکان ۷ تا ۹ ساله نوشته شده است.



زنگ آماده باش



امیدواریم که سه ماهه‌ی تابستان به شما کُلی خوش گذشته باشد و آماده باشید که مدرسه را با تلاش و نشاط فراوان شروع کنید. حالا که مدرسه‌ها شروع شده است، باید حواستان به برنامه‌های روزانه‌تان باشد تا بتوانید به خوبی این سال تحصیلی را پشت سر بگذارید و خدایی نکرده لطمه‌ای به درس‌هایتان نخورد و در درس‌هایتان موفق شوید.



شب‌ها زودتر بخوابید
و گرنه صبح دیر به مدرسه می‌رسید
یا سر کلاس چرت می‌زنید.



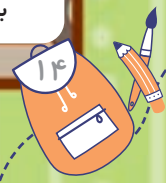
صبحانه را کامل و مقوی
بخورید و گرنه سر کلاس
گرسنه می‌شوید و درس‌ها را
خوب نمی‌فهمید.



مواظب باشید که
روی پله‌ها بدوید و نکتید،
چون ممکن است
اتفاق بدی برای خودتان
یا بقیه‌ی بچه‌ها بیفتد.



وقت سوار شدن به
سرویس همدیگر را هل
ندهید و با احتیاط سوار یا
پیاده شوید تا صحیح و سالم
به مقصد برسید.



مواظب بچه‌های کوچک‌تر به ویژه
کلاس اولی‌ها باشید چون آن‌ها با محیط مدرسه
آشنا نیستند و به کمک نیاز دارند.



تکلیف هر روز را
به موقع انجام دهید
وگرنه مجبورید تا آخر
شب بیدار بمانید
و نتوانید تکالیفتان را
خوب انجام دهید.



برای زنگ تفریح از غذاهای سالم
که مامان درست کرده است
به مدرسه ببرید و هله هوله و غذاهای
ناسالم نخورید.



وسایلتان را
تمیز و پاکیزه و
مرتب نگه دارید
تا کیف مدرسه‌تان
به هم ریخته و
نامرتب نباشد.



خواهرهای مهربان

یکی از نعمت‌های خوب خدای مهربون، داشتن خانواده است. فرقی نداره که در خانواده مون کنار پدر و مادر مون، خواهر بزرگتر یعنی یا خواهر. به نظر من خواهر یعنی مهربونی. خواهر بزرگتر یعنی به مادر کوچک که ساعتی که مادر دستش به کاری در خونه بنده و مشغول مسئولیت‌های دیگه شه ما می‌تونیم بهش دل‌گرم باشیم که کنار مونه تا ماما بیاد. آی خواهرای کوچیک! آهای خواهرای بزرگ قدر همو بدونید.



نایت

اسم من هلیا طاهری زاده است. اسم خواهر جونم هم تانیاست. من کلاس سومم و خواهرم تازه امسال می‌خواد بره کلاس اول.



فکر کنم تانیایک کم دل‌واپسه. توی این جور وقتا که خواهرتون نگرانه واسه چیزی، شما باید باهاش آرام و صمیمی حرف بزنید. من بهش گفتم مدرسه جای خوبییه، دانا می‌شی، سواد یاد می‌گیری، می‌تونی خودت کتابات رو بخونی و بنویسی. تازه دوستان خوبی هم پیدا می‌کنی.



بعد از صحبت من، تانیا دیگه نگران نیست. ما باهم کوله‌ی مدرسه مون رو داریم می بندیم. من به اون گفتم بطری آب وسیله‌ی شخصیه و نباید بطری رو به کسی بدی و نباید هم از بطری کسی آب بخوری.



اسم و فامیل خواهرم رو روی دفتراش با خط خوب و خوانا نوشتم و بهش گفتم باید مراقب دفتر و کتابات باشی تا گم نشن.



من به تانیا گفتم سال تحصیلی جدید شروع شده، پس بهتره هر شب سر ساعت ۹ بعد از مسواک زدن زود به رختخواب بریم تا فردا وقتی ساعتون زنگ زد، خسته و خواب‌آلود نباشیم. بچه‌ای که شب‌دیر بخوابه، فردا خسته است و سرکلاس درس هاش رو خوب و درست نمی‌تونه یاد بگیره. خودم هم زود رفتم بخوابم.



ما تمیز و مرتب و منظم لباسا مون رو پوشیدیم و سر وقت داریم می‌ریم مدرسه. خدا نگهدار مامان، خدا حافظ بابا.





سلام عمو آتش نشان جان!
روزت مبارک!
من همیشه برای سلامتی تو که
مواظب جان همه هستی دعا می کنم